

# Grammatikübersicht

خلاصه کلیه مطالب دستوری

## A Übersicht über die Satzgliedstellung

الف- خلاصه مطالب مربوط به اجزاء جمله

### I. Das Verb und seine Ergänzungen

۱- فعل و مکمل های آن

در زبان آلمانی جزء اصلی جمله فعل است و سایر اجزاء جمله تابع و وابسته فعل هستند. یعنی تعداد و نوع سایر اجزای جمله بستگی به فعل دارد. زیرا همه اجزای دیگر جمله وظیفه کامل کردن معنی و مفهوم فعل را دارند. در این سری اول برنامه تدریس و آموزش زبان آلمانی سه نوع از مکمل های فعل را یاد میگیرید که عبارتند از: ۱- مکمل فاعلی یا فاعل. ۲- مکمل کیفی یا صفت ۳- مکمل مفعولی یا مفعول صریح.

۱- مکمل فاعلی یا فاعل. تقریباً جمله ای نیست که فاعل نداشته باشد. فاعل از نظر لفظ ممکن است صورتهای مختلف داشته باشد.

۲- مکمل کیفی یا صفت. صفت کلمه ای است که به اسم افزوده میشود تا حالت و چگونگی آنرا بیان کند.

گاه کلمه ای که درباره اسم توضیحی میدهد از نظر لفظ با ظاهر اسم است. ولی در واقع همان خاصیت وضعی را دارد که معمولاً صفت دارا است. در زبان آلمانی صفت معمولاً بعد از دو فعل **sein** و **heißen** میآید.

Nominativ-Ergänzung فاعل	Verb	Qualitativ-Ergänzung صفت
Ich Das Herr Er Menschen Du Das Zimmer	bin ist Meier ist sind bist ist	neugierig. schlimm. ist müde. chaotisch. seltsam. unhöflich. frei.
Andreas Schäfer Die Hotelchefin Das	ist heißt ist	Portier. Frau Berger. ein Lied.

ضمیر پرسشی برای اشخاص **wer** و برای اشیاء **was** است. در صورتیکه شخص یا شیئی در حالت فاعلی باشد.

## Die Akkusativ-Ergänzung

۳- مکمل مفعولی یا مفعول. فعل های متعدی احتیاج به مفعول دارند تا معنی آنها کامل شود. علامت مفعولی "را" است که در جواب "که را" برای اشخاص و "چه را" برای اشیاء میآید. در سری اول این درسها افعال متعدی زیر را یاد میگیرید.

anrufen	haben	mögen	suchen
bestellen	hören	nehmen	schreiben
bleiben	kaufen	probieren	spielen
brauchen	kennen	putzen	stören
einladen	kosten	rauchen	studieren
essen	lesen	recherchieren	trinken
finden	lieben	sagen	überlegen
fragen	machen	sehen	verkaufen
glauben	meinen	singen	verstehen
			zeigen

Nominativ-Ergänzung فاعل	Verb	Akkusativ-Ergänzung مفعول صریح
Die Frau Herr Meier Frau Berger Andreas Er	probiert sucht bestellt sucht verkauft	eine Bluse. ein Zimmer. einen Salat. seine Kassetten. sie.

ضمیر پرسشی در حالت مفعولی (بیواسطه) برای اشخاص **wen** و برای اشیاء **was** است.

## II. Satztypen: Aussage- und Fragesatz

۲- انواع جمله: جمله خبری - جمله پرسشی

جمله بر سه نوع است

**Das ist Andreas.**

۱- جمله خبری. مانند:

۲- جمله پرسشی.

**Woher kommt er? Was macht er?**

الف. با ضمیر پرسشی. مانند:

**Ich noch ein Zimmer frei?**

ب. بدون ضمیر پرسشی. مانند:

**Bleib zu Hause!**

۳- جمله امری. مانند:

بر حسب جایگاه فعل در جمله. دو نوع جمله وجود دارد:

۱. جمله های معمولی که در آنها فعل در جای دوم قرار دارد. اینگونه جمله ها را "خبری" مینامند و اکثر جمله ها از این نوع هستند.

۲. جمله هایی که در آنها فعل در اول جمله قرار دارد. این جمله ها با پرسشی هستند یا امری و تعداد آنها نسبت به جمله های خبری کمتر است.

	Verb		
I	Das Er Er	ist kommt schreibt	Andreas Schäfer. aus Köln. Reportagen. } جمله خبری
	Woher Was	kommt macht	Andreas? er? } جمله پرسشی یا ضمیر پرسشی

	<b>Verb</b>		
II	Bist Ist	du glücklich? noch ein Zimmer frei?	} جمله پرسشی بدون ضمیر پرسشی
	Bleib Probieren	zu Hause! Sie mal!	

### III. Die Position der einzelnen Satzglieder

۳ ساختمان جمله - ترتیب قرار گرفتن کلمات در جمله

#### 1. im Aussagesatz

۱- در جمله خبری  
الف. در جمله های خبری ترتیب قرار گرفتن اجزای جمله معمولاً به این صورت است:

Nominativ-Ergänzung فاعل	<b>Verb</b>	Ergänzungen سایر اجزاء و مکمل های جمله	
Ich Dr. Thümann Frau Berger Du	bin kommt sucht weißt	aus genau	müde Leipzig. das Buch. das doch.

ب. اگر بخواهیم روی یکی از اجزاء جمله تأکید کنیم، میتوانیم آن کلمه را در اول جمله قرار دهیم. اینگونه جمله ها بیشتر برای نشان دادن و بیان احساسات انسان در هنگام سخن گفتن بکار میرود.

	Akkusativ-Ergänzung مفعول	<b>Verb</b>	Nominativ-Ergänzung فاعل
خاتم برگر با خوشحالی گفت: آندره آس با حالت غضب آلود گفت:	Genau das Buch Das	suche weißt	ich! du doch!

#### 2. Die Satzklammer

۲- جمله های محاط در فعل  
در بعضی جمله ها همه اجزاء جمله باستثناء فاعل در بین دو فعل یا دو قسمت يك فعل که از هم جدا شده اند قرار میگیرد و این امر یکی از ویژگیهای زبان آلمانی است. این جمله ها که در زبان آلمانی آنها را جمله محاط در فعل میخوانند، در دو مورد ساخته میشوند:  
الف. در جمله های مرکب که بیش از يك فعل دارند و یکی از فعل های جمله فعل معین (کمکی) است.

ب. در جمله هایی که گرچه يك فعل بیشتر ندارند، ولی این فعل از افعال پیشوندی است؛ یعنی يك جزء پیوندی دارد که در جمله از ماده اصلی جدا میشود و در آخر جمله قرار میگیرد.

Dr. Thümann reist morgen nach Berlin ab.

Satzklammer فعل محیط بر جمله			
	Verb		Verb-Zusatz یا جزء پیوندی یا فعل دوم (که مصدر است)
Wer Herr Meier Dr. Thürmann Möchten Sie	reist möchte reist noch Komm	morgen noch eine Nacht morgen eine Nacht doch	ab? bleiben. ab. bleiben? mit!

۳- **Die Negation nicht**      **nicht** نفی فعل با حرف نفی  
حرف نفی **nicht** به دو صورت جمله را منفی میکند:  
الف. در جمله هایی که دارای فاعل یا مفعول باشند حرف نفی **nicht** در آخر جمله قرار میگیرد.

	Verb	Akkusativ-Ergänzung	Negation
Die Frau Warum Hanna	probiert probiert singt Kaufst Trink	die Bluse die Bluse du das Buch das Bier	nicht. nicht? nicht. nicht? nicht!

ب. حرف نفی **nicht** مقدم بر صفت یا پیش از فعل دوم که بصورت مصدر میآید یا پیش از جزء فعل پیشوندی میآید و جمله را منفی میکند.

	Verb	Negation
Er Sie Herr Meier Warum Dr. Thürmann	ist singt möchte möchte reist Komm	<div style="display: flex; align-items: center;"> <div style="margin-right: 10px;"> <p>nicht müde nicht gern. nicht schlafen? sie die Bluse nicht kaufen? nicht ab. nicht mit!</p> </div> <div style="font-size: 2em;">}</div> <div> <p>Verb + صفت Qualitativ-Ergänzung Verb + Infinitiv Verb + Verb-Zusatz</p> </div> </div>

**nicht** هیچگاه مقدم بر فعل (پیش از فعل) نمیآید.

۴- **Die Partikeln denn, doch, ja, mal, wohl, sowieso**      حروف

حروف به تنهایی دارای معنی نیستند و در جمله برای تأکید یا بیان جدس و فرض و یا تشدید و تلطیف جمله بکار میروند. حروف همیشه پس از فعل میآیند. در جمله های پرسشی پس از فعل ابتدا فاعل و سپس حرف میآید.

**denn** فقط در جمله پرسشی میآید

**ja** در جمله پرسشی نمیآید

**wohl/sowieso** هیچگاه در جمله های پرسشی که با ضمیر پرسشی ساخته شده باشند نمیآید.

	<b>Verb</b>		حرف	
Das Sie Ich Da Ich Sie	ist brauchen komme ist bestelle sind	jetzt	doch doch ja. ja mal. sowieso	unhöflich. das Geld. Ihre Brille vorbei.
Was	möchten Reisen	Sie Sie	denn denn	essen? ab?

## B Die einzelnen Satzglieder

ب. اجزاء جمله

### I. Verben

۱. افعال

#### 1. Verbkonjugation Präsens der regelmäßigen Verben

۱- صیغه مضارع فعل های باقاعده

در زبان آلمانی افعال برحسب وقوع و اشخاصی که فعل به آنها نسبت داده میشود تغییر میکند. یعنی ماده فعل شناسه های مختلف میگیرد. فعل های باقاعده انهایی هستند که شناسه آنها همیشه به یک صورت است و از قاعده ثابتی پیروی میکنند. ماده فعل با حذف علامت مصدری **en** از مصدر بدست میآید. مصدر صورت اصلی فعل است که زمان وقوع ندارد و به شخصی نیز نسبت داده نشده (صرف نشده) است. در کتابهای لغت از هر فعل فقط مصدر آن ذکر میشود. مصدر = **kommen** حذف علامت مصدری **kommen(en)** ماده فعل **komm**.

مصدر	مفرد			جمع		
<b>kommen</b>	شخص	ماده فعل	شناسه	شخص	ماده فعل	شناسه
اول شخص	<b>ich</b>	komm	<b>e</b>	<b>wir</b>	komm	<b>en</b>
دوم شخص (خطاب دوستانه) (خطاب احترامی)	<b>du</b> <b>Sie</b>	komm komm	<b>st</b> <b>en</b>	<b>ihr</b> <b>Sie</b>	komm komm	<b>t</b> <b>en</b>
سوم شخص	<b>er/sie</b>	komm	<b>t</b>	<b>sie</b>	komm	<b>en</b>

#### 2) Besonderheiten im Präsens

۲- ویژگیهای صیغه مضارع (زمان حال) بعضی افعال

الف. افعالی که ماده فعل آنها به **d** یا **t** ختم میشود. شناسه آنها در دوم شخص مفرد **-est** و در سوم شخص مفرد **-et** است:

arbeit-en:  
find-en:

du arbeit-est, er arbeit-et  
du find-est, er find-et

ب. افعالی که مادّه فعل آنها به s یا ß ختم میشوند، شناسه آنها در دوم شخص مفرد t است:

### heiß-en: du heiß-t

ج. افعالی که در موقع صرف حرف با صدای آنها تغییر میکنند، در بعضی افعال در موقع صرف، حرف با صدای ماده فعل هم تغییر میکنند. این امر در صیغه دوم شخص و سوم شخص مفرد مضارع (زمان حال) است.

**lesen:** du liest, er liest  
**sprechen:** du sprichst, er spricht  
**essen:** du ißt, er ißt

**sehen:** du siehst, er sieht  
**nehmen:** du nimmst, er nimmt

### 3) Verbkonjugation von haben –

صرف فعل **haben**

<b>haben</b>	مضارع (زمان حال)		ماضی مطلق (ماضی ساده)	
	مفرد	جمع	مفرد	جمع
اول شخص	ich habe	wir haben	ich hatte	wir hatten
دوم شخص	du hast Sie haben	ihr habt Sie haben	du hattest Sie hatten	ihr hattet Sie hatten
سوم شخص	er hat sie hat	sie haben sie hatte	er hatte	sie hatten

### 4) Verbkonjugation von sein

۴- صرف فعل **sein**

<b>sein</b>	مضارع (زمان حال)		ماضی مطلق (زمان گذشته)	
	مفرد	جمع	مفرد	جمع
اول شخص	ich bin	wir sind	ich war	wir waren
دوم شخص	du bist Sie sind	ihr seid Sie sind	du warst Sie waren	ihr wart Sie waren
سوم شخص	er ist sie ist	sie sind sie sind	er war er war	sie waren sie waren

## 5) Verbkonjugation von wissen und vom Modalverb mögen (Präsens)

۶- صرف فعل **wissen** و فعل معین **mögen** (صیغه مضارع یا زمان حال یا اکنون)

	<b>wissen</b>		<b>mögen</b>	
	مفرد	جمع	مفرد	جمع
اول شخص	ich weiß	wir wissen	ich möchte	wir möchten
دوم شخص	du weißt Sie wissen	ihr wißt Sie wissen	du möchtest Sie möchten	ihr möchtet Sie möchten
سوم شخص	er weiß sie weiß	sie wissen	er möchte sie möchte	sie möchten

## 6) Imperativ der Verben –

۶- وجه امری

جمله های بیان کننده فرمان به کسی یا خواهش یا طلب انجام کاری با صیغه ای از فعل ساخته میشود که آنرا وجه امری فعل و چنین جمله ای را جمله امری میخوانند.  
**Komm!** امر به يك نفر با خطاب دوستانه است. در این صیغه ضمیر شخصی **du** حذف میشود.

**Entschuldigen Sie!** وجه امری در خطاب احترامی به يك نفر است. ضمیر شخصی پس از فعل امر میآید.

**Gehen wir!** در اول شخص جمع که خود گوینده نیز جزو آنست گفته میشود. در این صیغه نیز ضمیر شخصی "ما" پس از فعل امر میآید.

## 7) Trennbare Verben (Präsens) –

۷- صیغه مضارع فعل های پیشوندی

افعال پیشوندی فعل هایی هستند که از اضافه شدن يك جزء پیوندی (اکثراً يك حرف اضافه) به يك فعل ساده ساخته میشوند. به هنگام تلفظ تکیه روی جزء پیوندی است. در جمله جزء پیوندی از فعل اصلی جدا شده و در آخر جمله قرار میگیرد. (در زبان آلمانی افعال پیشوندی را "افعال جداشونده" مینامند).

مصدر		فعل		جزء پیوندی
einladen	Ich	lade	Sie nach Berlin	ein.
anrufen		Rufen	Sie mich morgen	an?
mitkommen		Komm	doch bitte	mit!

در جمله هایی که فعل معین دارند. اگر فعل پیشوندی بیاید بصورت متصل (مصدر) در آخر جمله قرار میگیرد.

## II Artikel und Nomen

۱. حرف تعریف و اسم

### 1 – definiter und indefiniter Artikel –

۱- حرف تعریف معین و حرف تعریف نامعین

حرف تعریف جزئی از اسم است که به آن تعلق دارد. حرف تعریف پیش از اسم میآید و جنسیت آن را از نظر دستور زبان تعیین میکند. حرف تعریف علت و پایه منطقی ندارد و قراردادی است. لذا باید حرف تعریف هر اسم را با خود آن اسم فرا گرفت. جنسیت اسم در زبان آلمانی بر سه نوع است: مذکر، مؤنث، خنثی.  
در زبان آلمانی دو نوع حرف تعریف وجود دارد: حرف تعریف معین و حرف تعریف نامعین.

	مفرد				جمع		
	maskulin (m.) مذکر		neutrum (n.) خنثی		feminin (f.) مؤنث		
	فاعلی	مفعولی	فاعلی	مفعولی	فاعلی	مفعولی	
حرف تعریف معین	der	den	das	das	die	die	<b>die</b> حرف تعریف نامعین جمع ندارد
حرف تعریف نامعین	ein	einen	ein	ein	eine	eine	
حرف نفی	kein	keinen	kein	kein	keine	keine	<b>keine</b> همیشه

حرف تعریف نامعین با اسمی میآید که برای ما ناشناخته است و این امر بیشتر در مورد اسمی صدق میکند که بار اول از آن صحبت میشود. بهمین قیاس حرف تعریف معین همراه با اسمی میآید که برای ما شناخته شده است و قبلاً از آن صحبت بوده است.

Da liegt ein Spiegel

Der Spiegel kostet zehn Mark.

Da liegt ein Buch.

Das Buch kostet zwei Mark.



Da liegt eine Flasche.

Die Flasche ist voll.

## 2. Der Possessiv-Artikel

۲- ضمیر ملکی یا متمم اسم یا مضاف الیه

ضمیر ملکی یا متمم اسم که تعلق چیزی یا کسی را به چیز یا کس دیگر بیان میکند از نظر لفظ شبیه حرف تعریف نامعین است و پیش از اسم میآید. ضمیر ملکی (متمم اسم) در صورتی که آن اسم (مضاف) مؤنث باشد، در هر دو حالت فاعلی و مفعولی آن **e** میگیرد. ضمیر ملکی وقتی مضاف مذکر و در حالت مفعولی باشد **en** میگیرد. ضمیر ملکی یا متمم اسم یا مضاف الیه در سوم شخص مفرد از یک جهت مربوط به جنسیت شخصی میشود که صاحب و مالک چیزی است و از طرف دیگر بستگی به اسمی پیدا میکند که متمم آنست یعنی اسمی که ضمیر ملکی با آن میآید که همان مضاف است. وقتی مضاف در صیغه جمع باشد، مضاف الیه (ضمیر ملکی) هم در حالت فاعلی و هم در حالت مفعولی **e** میگیرد.

	پیش از اسم در صیغه جمع			
	در حالت فاعلی		در حالت مفعولی	
	مذکر و خنثی	مؤنث	مذکر	
مفرد اول شخص دوم شخص	mein dein Ihr	meine deine Ihre	meinen deinen Ihren	برای تمام اسم ها با هر جنسیت (هر حرف تعریف) چه در حالت فاعلی و چه در حالت مفعولی همیشه ضمیر ملکی <b>e +</b> (meine/deine/seine...)
سوم شخص	 sein  ihr	seine ihre	seinen ihren	
جمع اول شخص دوم شخص	unser euer Ihr	unsere eure Ihre	unseren euren Ihren	
سوم شخص	ihr	ihre	ihren	



### 3 – Nomen im Plural

۳- جمع اسم  
 اغلب اسم ها در جمع تغییر میکنند و این تغییر به این شکل است که جزئی بنام علامت جمع به آخر آنها اضافه میشود. بعضی اسم ها در جمع فقط حرف مصوتشان تغییر میکند. دسته دیگر هم حرف مصوتشان تغییر میکند و هم جزئی که علامت جمع است به آخر آنها افزوده میشود. دسته دیگر در جمع نسبت به مفرد تغییری نمیکند. بجز حرف تعریف آنها؛ و حرف تعریف معین همه اسماء در صیغه جمع die است. حرف تعریف نامعین طبعاً جمع بسته نمیشود. در زیر نمونه هایی از انواع مختلف علامت جمع اسم را می بینید.

علامت جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع: علامت جمع + تغییر صدا
-e	der Beruf	die Berufe	der Paß	die Pässe
-n	die Kasette	die Kassetten		
-en	die Frau	die Frauen		
-s	das Taxi	die Taxis		
-er	das Lied	die Lieder	das Tuch	die Tücher
-	der Mantel	die Mäntel		
-	das Zimmer	die Zimmer		

### III – Pronomen

#### 1. Personalpronomen

۳. ضمیر  
 ۱- ضمیر شخصی

مفرد		جمع	
حالت فاعلی		حالت مفعولی	حالت فاعلی
اول شخص	ich	mich	wir
دوم شخص	du	dich	ihr
	(دوستانه)	Sie	Sie
	(محترمانه)	er	} sie
	مذکر	ihn	
	خنثی	es	
سوم شخص	es	es	
	مؤنث	sie	

#### 2. Fragepronomen

۲- ضمیر پرسشی (۱. توضیح در صفحه ۱۱۱)

**wer** ضمیر پرسشی برای شخص در حالت فاعلی است.  
**wen** ضمیر پرسشی برای شخص در حالت مفعولی است.  
**was** ضمیر پرسشی برای شیئی در حالت فاعلی و نیز در حالت مفعولی است.  
**woher** برای پرسش در مورد مبدأ بکار میرود.  
**wo** برای پرسش برای مکان بکار میرود.  
**warum** برای پرسش علت بکار میرود.  
**wie** برای پرسش اسم کسی و یا کیفیت و یا چگونگی بکار میرود.

Wer spricht da? (Ex)

Wen suchen Sie? (meine Mutter)

Was liegt da? (Schallplatten)

Was suchst du? (meinen Mantel)

Woher kommt Andreas? (aus Köln)

Wo wohnt Dr. Thürmann? (in Berlin)

Warum arbeiten Sie? (Ich brauche Geld)

Wie heißen Sie? (Andreas Schäfer)

Wie ist der Mensch? (neugierig)

### 3. Negation

۳- نفی

<b>nicht</b>	جمله مثبت را منفی میکند و پیش از فعل میآید.	Das verstehe ich nicht.
<b>kein/keine</b>	اسم را منفی میکند.	Andreas hat keine Flöte.
<b>nichts</b>	صورت منفی یا عکس کلمه "همه چیز" است (یعنی هیچ چیز).	Ich verstehe alles. Ich verstehe nichts.

### 4. Partikeln –

۴- حروف

حروف کلماتی هستند که بخودی خود معنی مستقلی ندارند و در معنی جمله تغییری نمیدهند. ولی مفهوم گفته را عمیق تر میکنند و به آن حالت تکیه و تأکید یا حالت دوستانه میدهند و لحن بیان را قدری عوض میکنند. در زبان آلمانی از این حروف که لحن گفته را ملاطفت آمیز میکنند زیاد وجود دارد. بعضی از این حروف معنی کلی گفته را تشدید و بعضی دیگر آنرا تضعیف و تلطیف میکنند.

مثلاً حرف **denn** در این جمله برای تشدید حالت تعجب

Was machen Sie **denn** hier?

گوینده آورده شده است:

Probier **mal**.

در این جمله حرف **mal** برای نشان دادن عدم اصرار و پافشاری گوینده روی موضوع است:

(۱) در زبان آلمانی همه این کلمات ضمیر پرسشی خوانده میشوند. در دستور زبان فارسی بین ضمیر پرسشی و کلمات پرسش فرق هست. مثلاً "از کجا" متمم فعل و "چگونه" صفت پرسشی خوانده میشود. مترجم به تبعیت از متن آلمانی این کتاب همه این کلمات را جزو ضمایر پرسشی آورده است.